

روش‌شناسی تکوینی: نگاهی تحولی به پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی اسلامی

فرهاد خرمائی*

دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

khormaei@shirazu.ac.ir

چکیده

در حوزه شناخت علمی چگونگی دستیابی به واقعیت و شیوه دسترسی به یافته‌ها گاه اهمیت بیشتری از خود یافته‌ها دارد، چراکه اعتبار و سودمندی یافته‌ها وابسته به روش‌هایی است که محققان در فرآیند تحقیق به کار می‌گیرند. روش‌شناسی تکوینی نگاهی هدفمند به پژوهش است که با مبنا قراردادی فلسفه اسلامی به صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به صورت خاص کوشش دارد واقعیت (گذشته/حال/آینده) را مورد شناسایی قرار دهد. این روش‌شناسی مبتنی بر فرانظریه تکوینی است که با قبول مبانی اساسی حکمت صدرایی (اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری) منطقی را پیشنهاد می‌دهد تا راهنمای پژوهشگران برای ورود به علوم تجربی انسانی- اجتماعی در بستر اندیشه اسلامی باشد. روش این پژوهش هستاریابی تکوینی از نوع هستارانگاری توصیفی- استنتاجی است که در آن پژوهشگر با تشریح مؤلفه‌های فرانظریه تکوینی و روش‌شناسی مفروض در این فرانظریه تلاش نموده است، دستگامی شناختاری با عنوان دستگام «مختصات کروی تکوینی» را پیشنهاد دهد. این دستگام فضایی توپولوژیک را فراهم می‌آورد که مختصات رویدادهای مشاهده‌شده که با عنوان هستار از آن یاد می‌شود، قابل بازنمایی کمی، کیفی، مکان‌مندی، زمان‌مندی، اثرگذاری، اثرپذیری و دیگر مختصاتی که امکان شناخت رویدادهای درون فردی و بیرون فردی و تبادل فرد و کرانمندی‌های او یا آنچه او را احاطه کرده است را فراهم می‌آورد. در این مقاله ابتدا با معرفی رویکرد تکوینی، فرانظریه تکوینی و دستگام مختصات کروی تکوینی

به روش‌های پژوهش در این رویکرد اشاره خواهد شد و با استنتاج ویژگی‌های روش‌شناسی تکوینی، تلویحات این روش‌شناسی برای علوم انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه‌های اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. حسب نظر مؤلف این نگارش، روش‌شناسی تکوینی رهیافتی قابل توجه در مواجهه با پرسش دشوار چستی روش‌شناسی و چگونگی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: هستی‌شناسی، رویکرد تکوینی، فرانظریه تکوینی، روش‌شناسی تکوینی، هستارشناسی، هستاریابی تکوینی، هستارانگاری تکوینی.

مقدمه

ایده اسلامی‌سازی علوم که بیشتر با عنوان علوم دینی از آن یاد می‌شود در پنجاه سال گذشته به صورت جدی در جهان مطرح بوده است و نظریات متنوع و متکثری در ارتباط با امکان، ضرورت و چگونگی دستیابی به آن ارائه شده است (موحد ابطحی، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲). در سال‌های اخیر در ایران نیز محققین و اندیشمندان گام‌های ارزنده‌ای برای تحقق این ایده برداشته‌اند.^۱ هریک از این رویکردها در جایگاه خود وجوه امتیاز، برتری‌ها و همچنین اشکالات و نقض‌هایی دارند (ر.ک: موحد ابطحی، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲). رویکرد تکوینی نیز در بستر اندیشه اسلامی، کوششی در راستای پیوند بین دین و علم است. این رویکرد تلاش دارد که با طرح نظریه‌ای جایگزین، رویکردی تجربی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی پیشنهاد دهد و قابلیت این رویکرد را در ورود به مطالعات اجتماعی و انسانی به بحث گذارد. رویکرد تکوینی با مبنا قراردادی فلسفه اسلامی به صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به صورت خاص و پذیرش مباحث اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری یک متاتئوری یا فرانظریه با عنوان فرانظریه تکوینی را مطرح کرده است. این فرانظریه نوعی روش‌شناسی را پیشنهاد می‌دهد تا راهنمای پژوهشگران برای ورود به علم تجربی انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه اسلامی باشد.

۱. مبانی فلسفی رویکرد تکوینی

تکوین در لغت به معنی شکل‌گیری، ایجاد، پیدایش، شدن، هستی بخشیدن و هستایش است

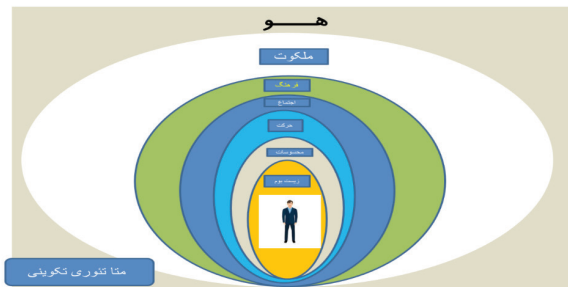
۱. برای مثال ر.ک: باقری، ۱۳۸۲؛ بستان، ۱۳۸۴؛ گلشنی، ۱۳۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶؛ پسندیده، ۱۳۸۶؛ رشاد، ۱۳۸۷؛ سوزنجی، ۱۳۸۸؛ حسنی و علی‌پور، ۱۳۹۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۰؛ میرباقری، ۱۳۹۱؛ ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲؛ خسروپناه، ۱۳۹۳؛ پیروزمند، ۱۳۹۳؛ واسطی، ۱۳۹۸؛ تقوی، ۱۳۹۹؛ زاهد زاهدانی، ۱۴۰۲.

(دهخدا، ۱۳۷۷). مبانی فلسفی رویکرد تکوینی ریشه در فلسفه اسلامی به صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به صورت خاص دارد. این رویکرد سه اصل اساسی اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری فلسفه صدرایی را می‌پذیرد و بر این دیدگاه است که علی‌رغم مشاهده پراکندگی هستی که در تصویر نخست گویای کثرت و پیچیدگی است، یک نوع هماهنگی در جهان هستی ملاحظه می‌شود که تحقق هدفی را دنبال می‌کند. لذا جهان هدفمند است و یک نوع هوشمندی بر جهان هستی حاکم است و آنچه اصل است جست‌وجوی وحدت و یکپارچگی است. به عبارتی حرکت جهان به سمت توحید و وحدانیت است. این رویکرد وجود یا هستی را واقعیت می‌داند (اصالت وجود) که دارای سلسله‌مراتبی است (تشکیک وجود) بنابراین اصالت با وجود است که طی حرکت (حرکت جوهری) به صورت‌های مختلف نمود می‌یابد. لذا وجود یا هستی امری واحد (وحدت وجود) است که کثرات مختلف می‌یابد.

در رویکرد تکوینی، علم به عنوان شناخت هستی از طریق توصیف (تشخیص، تعریف و طبقه‌بندی) و توضیح (تبیین رابطه و نسبت بین عناصر) جهت گسترش دانایی انسان و هدایت او در مسیر تکوین تعریف می‌شود. بنابراین هنگامی که محقق وجود را مقید کرد و بر آن قید زد، به عبارتی آن را تعریف نمود و توصیف کرد، وجود (هستی) تبدیل به موجود (هستار) می‌شود، بنابراین هستار (موجود) مناسبات بین مجموعه‌ای از عناصر است که توصیف‌گر و توضیح‌دهنده واقعیت است. لذا از طریق مطالعه هستار می‌توان واقعیت را شناخت. شکل‌گیری این شناخت نیز فرآیندی تکوینی است که طی آن وضوح‌بخشی و شفافیت هستار به‌وقوع می‌پیوندد و این مسیر با کار بست روش‌شناسی تکوینی جریان می‌یابد. رویکرد تکوینی علمی را خوب می‌داند که بتواند خطا و صحیح را به انسان جهت هدایت در مسیر تکوین نشان دهد (خرمائی، ۱۳۹۰). این رویکرد هستی را در جریان و سیلان (حرکت جوهری) می‌بیند که با توجه به اصل تشکیک وجود محقق مراتبی از وجود (افق رویداد) را مشاهده می‌کند. بنابراین وجود (واقعیت) دارای مراتب مختلف است و هستی در مراتب مختلف در حال شدن و تکوین است. بنابراین واقعیت ایستا نیست و در مراتب مختلف تنوع جلوه می‌یابد، لذا با شناسایی هر واقعیت نمود دیگری از واقعیت متجلی می‌شود و تلاش انسان برای رسیدن به واقعیت به انتها نمی‌رسد، لیکن کشفی در پی کشف دیگر اتفاق خواهد افتاد و انسان مسیر شدن را طی خواهد کرد. بنابراین در این رویکرد علم و روشی در علم خوب است که بتواند خطا و صحیح را به انسان نشان دهد (خرمائی، ۱۳۸۵) و به او کمک نماید که خطاها را شناسایی و تصحیح کند و صحیح را ترویج نماید و همچنین با افزایش دانایی محقق را در مسیر تکوین الهی جهت دهد (علم نافع).

۲. فرانظریه^۱ تکوینی

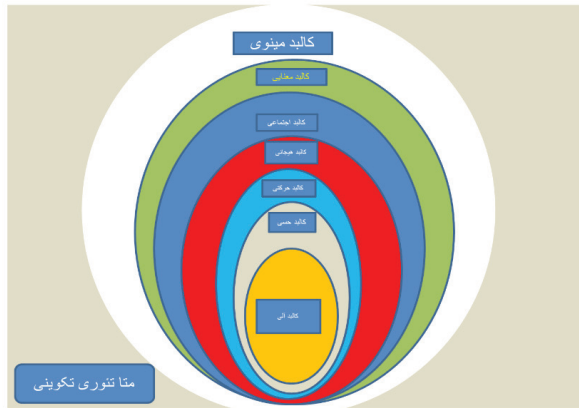
فرانظریه به یک نظریه درباره بررسی، تحلیل و توصیف خود نظریه گفته می‌شود. برخی فرانظریه را به‌عنوان فلسفه نظریه به‌شمار آورده‌اند. یعنی مجموعه‌ای اساسی از عقاید در پیوند با اینکه چگونه پدیده‌های موردعلاقه در یک حوزه خاص باید مورد تفکر و مشاهده قرار گیرد و درباره آنها پژوهش به‌عمل آید (واگنر و برگر، ۱۹۸۵، به نقل از بیتس، ۲۰۰۵). مفهوم فرانظریه به مقدار زیادی با اصطلاح پارادایم هم‌پوشانی دارد، لیکن پارادایم معنی گسترده‌تری نسبت به فرانظریه دارد، فرانظریه هسته اصلی هر پارادایم و معرف پارادایم در بسیاری از معانی آن است (بیتس، ۲۰۰۵). فرانظریه تکوینی مبتنی بر پارادایم تکوینی دارای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی خاص خود است. این فرانظریه در عین فرض وجود هستی واحد، تشکیک در وجود را می‌پذیرد و بر این دیدگاه است که هستی دارای مراتب است و هر مرتبه به‌لحاظ نوع داده‌ها منحصر به فرد است. هر مرتبه داده‌ها و قواعدی دارد و در عین وحدت، کثیر نیز هست. هستی هدفمند است و به‌وسیله پروردگار ربوبیت می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱. نگاره مراتب هستی در فرانظریه تکوینی

در فرانظریه تکوینی انسان موجودی کران‌مند است و کرانه‌های هستی (مراتب وجود) و آنچه انسان را احاطه کرده است مشمول افق‌ها است (شکل ۱). ازسوی دیگر ساحت‌های وجودی انسان نیز مشکک است (شکل ۲) که در یک ترکیب اتحادی و انضمامی تمامی اجزای جهان هستی پیوندی متبادل باهم دارند که از آن تحت‌عنوان فضای هستی نام برده می‌شود. اجزای جهان هستی در شبکه وجودی براساس قواعدی روابط و مناسبات دارند که با کوشش محقق این مناسبات قابل‌شناسایی است.

1. Metatheory.
2. Bates.



شکل ۲. نگاره ساحت‌های انسان در فرانظریه تکوین

در رویکرد تکوینی، فرانظریه تکوینی هدایتگر محقق در پژوهش است. به عبارتی این فرانظریه به محقق می‌گوید، در کجا چه چیزی را جست‌وجو کند و هنگامی که آن را یافت چگونه تبیین و تفسیر نماید. در فرانظریه تکوینی کل متغیر موردشناسایی قرار می‌گیرد که اجزا و مؤلفه‌های آن رابطه‌ای تبادلی با یکدیگر دارند و در آن مؤلفه‌هایی که نزدیکی و پیوند بیشتری باهم دارند برهم‌کنشی و هم‌جوشی متبادل بیشتری در شکل‌گیری هستار دارند. برحسب این فرانظریه، جهان و انسان در حال شدن، تغییر و تکوین است (حرکت جوهری) و این کل در مراتب مختلف جلوه‌ها و نمودهای متفاوت می‌یابد که سعی محقق شناسایی و وضوح‌بخشی به این نمودها است. در فرانظریه تکوینی این نمودها و جلوه‌ها که نشانگر بودها (واقعیت) هستند را هستار می‌نامند. به عبارتی هستار ساختاری پیوندی برای توصیف و توضیح هستی است. هستار در فرآیند تکوینی شکل می‌گیرد و در شدنی تکوینی نیز شناسایی می‌شود. هدف مطالعه کنونی این است که با توجه به مبانی رویکرد تکوینی به چیستی یا هستارشناسی «روشن‌شناسی تکوینی» اشاره شود و با استنتاج ویژگی‌های مفروض در این رویکرد به تلویحات این روش‌شناسی برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه‌های اسلامی پرداخته شود.

۳. روش

روش این پژوهش هستاریابی تکوینی از نوع هستارانگاری توصیفی - استنتاجی است. روش‌شناسی

تکوینی روشی آنتولوژیک و هستی‌شناسانه است که بر شناخت هستی و موجودیت‌های آن (هستار) متمرکز است و وجود آنها را بررسی می‌کند. به عبارتی از طریق شناسایی هستارها به شناخت هستی (واقعیت) نائل می‌آید. این هستارها می‌توانند فیزیکی و یا غیر فیزیکی باشند. بنابراین هستارها ساختاری پیوندی برای توصیف و تبیین هستی است. به عبارتی هستار، مناسبات بین مجموعه‌ای از عناصر است که توصیف‌کننده، توضیح‌دهنده و تبیین‌کننده واقعیت است. در روش هستارانگاری - استنتاجی پژوهشگر یک هستار را شناسایی و توصیف می‌کند و روابط بین اجزا را توضیح می‌دهد و بر مبنای این توصیف استنتاج می‌کند. در این پژوهش نیز هستار مورد بررسی چیستی یا هستارشناسی «روش‌شناسی تکوینی» خواهد بود. روایی این مطالعه بر اساس روایی گذار است. با توجه به اینکه پژوهش تکوینی به دنبال شفافیت و وضوح بخشی هستار است و شفافیت هستاری گذاری تکوینی دارد و شکل‌گیری و تکوین آن به صورت تدریجی است. محقق با بیان مبانی و بسترهای نظری که در این مطالعه رویکرد تکوینی و فرانظریه تکوینی خواهد بود به توصیف روش‌شناسی تکوینی می‌پردازد و تلوئیحات این روش‌شناسی را برای علوم انسانی و اجتماعی اسلامی به بحث می‌گذارد.

۴. معرفی روش‌شناسی تکوینی

روش‌شناسی تکوینی نگاهی آنتولوژیک به پژوهش دارد. نوعی آنتولوژی که ریشه در فلسفه اسلامی به صورت عام و حکمت متعالیه صدرایی به صورت خاص دارد. آنتولوژی از دو واژه *Onto* به معنی هستی و *Logic* به معنی مطالعه به وجود آمده است. به فارسی به آن هستی‌شناسی یا هستارشناسی گفته می‌شود. هستی‌شناسی به شناخت هستی و موجودیت‌ها (هستار) متمرکز است و وجود آنها را بررسی می‌کند. به طور کلی آنتولوژی به مطالعه موجودیت اشیا در جهان گفته می‌شود و ارتباطاتی که آنها با یکدیگر دارند. همچنین شامل جزئیات و ساختار سلسله‌مراتبی این اشیا می‌شود و همین‌طور در رابطه با دسته‌بندی اشیا با توجه به شباهت و تفاوت‌های آنها نسبت به یکدیگر صحبت می‌کند (کورازان، ۲۰۱۴). موجودیت‌ها (هستارها) به چیزی گفته می‌شود که وجود دارد، حال این موجودیت‌ها می‌تواند انتزاعی یا واقعی باشند که وجود شی را توضیح می‌دهد. هستارها بلوک‌های ساختمانی اصلی در ساختار آنتولوژی محسوب می‌شوند. چهار جزء اصلی یک آنتولوژی عبارت از مفاهیم، روابط، عناصر و اصل و قاعده‌ها هستند (آنتونیو و فون هارملن، ۲۰۰۴). مفاهیم، مجموعه یا طبقه‌ای از موجودیت‌ها یا چیزهایی است که درون یک حوزه وجود دارد. روابط به تبادلات بین مفاهیم (پیوند) و یا معین کردن ویژگی‌های یک مفهوم (طبقه‌بندی) می‌پردازد. عناصر (نشانگرها) چیزهایی هستند که توسط یک مفهوم معرفی می‌شوند و اصل و قاعده‌ها برای مقید

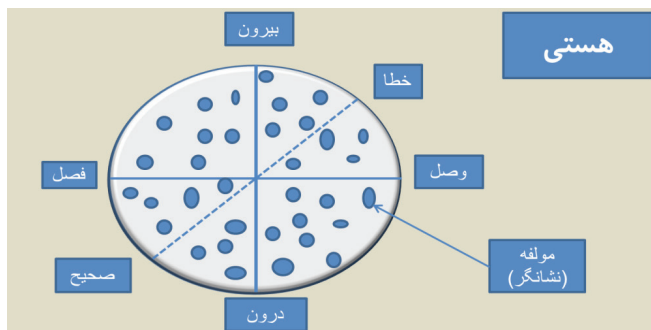
کردن مقادیر برای طبقه‌ها یا اعضا مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک آنولوژی عبارت است از طراحی، مفهوم‌سازی یا تصویرسازی از یک حوزه یا ترکیب عناصر (نشانه‌ها) که به آن پایگاه دانش یا دانایی گفته می‌شود.

در رویکرد تکوینی هستی واقعیت است، حتی امور ذهنی نیز واقعیت و موجودیت دارند. بنابراین واقعیت قابل شناسایی است و با توجه به اینکه هستی مشکک است و با شناسایی هر واقعیت جلوه دیگری از واقعیت نمود می‌یابد، پس روش شناسی تکوینی نگاهی پویا و دینامیک به واقعیت در حال شدن و تکوین دارد. این رویکرد داده‌مبنا است و با مطالعه و مشاهده داده‌ها، موجودیت‌ها یا هستارها را مورد شناسایی قرار می‌دهد. بنابراین داده‌ها واقعی است و محقق با استفاده از داده‌های واقعی به شناسایی واقعیت می‌پردازد. اما در اینکه این داده‌ها همه واقعیت است یا بخشی از واقعیت و آیا با مطالعه و جمع‌آوری بیشتر داده‌ها همین واقعیت شناسایی می‌شود، رویکرد تکوینی از واقعیت مشکک صحبت می‌کند، واقعیتی که نمودی تکوینی دارد. بنابراین در تحقیقات تکوینی از اصطلاح تقریب به واقع و نه کشف واقعیت صحبت می‌شود. چون واقعیت مشکک است و در پس هر واقعیت جلوه دیگری از واقعیت رخ می‌نماید، تلاش انسان نیز برای دستیابی به واقعیت هیچ‌گاه به انتها نخواهد رسید، بنابراین واقعیت تشکیکی یک واقعیت تکوینی است. در روش شناسی تکوینی به جای عبارت «واقعیت کشف می‌شود» از عبارت «واقعیت شناسایی (شناخته) می‌شود»، استفاده می‌گردد. قابل ذکر است که بیان این نکته که واقعیت شناسایی می‌شود به این معنا نیست که واقعیت ساخت‌وساز انسانی ندارد، بلکه ساخت‌وساز انسانی در پرتو شناسایی قاعده‌مندی جهان هستی صورت می‌گیرد. انسان قاعده‌ها را می‌شناسد (که واقعیت هستند) و با استفاده از اشیا و امورات واقعی ساخت‌وساز واقعی انجام می‌دهد. بنابراین برخلاف رویکرد تفسیری در این رویکرد واقعیت برساخت نیست، بلکه واقعیت نوساخت و نوخواست است. قابل ذکر است که این گفته تلویحات بااهمیتی در روش پژوهش دارد که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱-۴. دستگاه مختصات کروی تکوینی

دستگاه مختصات کروی تکوینی محور روش شناسی در پژوهش‌های تکوینی است. روش شناسی تکوینی رویکردی تجربی است که برای شناسایی واقعیت از شواهد تجربی بهره می‌گیرد، بنابراین متکی به داده و شواهد مشاهده‌پذیر است. البته در اینجا منظور از مشاهده‌پذیر عینیت رویکرد اثباتی نیست. بلکه داده‌ها در مراتب مختلف وجود متفاوت هستند و به همان گونه نیز لازم است مورد مشاهده قرار گیرند. همان‌گونه که در مبحث فرانظریه تکوینی مطرح شد، مفهوم فضای هستی

در برگیرنده کرانه‌ها (آفاق) و کالبدها (انفس) است که نوع داده در هر یک از کرانه‌ها و کالبدها با یکدیگر متفاوت است، لیکن قائل به وحدت وجود بودن امکان ایجاد رابطه بین داده‌ها را در تمام مراتب وجود (کرانه‌ها و کالبدها) فراهم می‌آورد. بنابراین مشاهده کرانه‌ها و کالبدها حجم عظیمی از اطلاعات را فراهم می‌آورد که برخی از این اطلاعات در سنجیتی همگام با یکدیگر در پیوند قرار می‌گیرند و فضای رویداد یا هستار را ایجاد می‌نمایند. هستارها ابزارهای تبیین و شناخت رویدادها هستند. فرانظریه تکوینی برای ایجاد شفافیت و وضوح بخشی به داده‌ها و تحلیل آنها فضایی توپولوژیک گوی‌واره‌ای را پیشنهاد داده است که از آن با عنوان «دستگاه مختصات کروی تکوینی» یاد می‌شود. این دستگاه به محقق امکان می‌دهد که داده‌های سلسله‌مراتبی را به منظور توصیف، طبقه‌بندی و تعریف آنها و همچنین تحلیل و توضیح روابط بین داده‌ها در دستگاه مختصات تکوینی وارد کرده و متناسب با منطق تکوینی و با توجه به مختصاتی تحلیل و نتیجه‌گیری نماید. منطق تکوینی با پذیرش اصل هستی در حال شدن و تکوین (حرکت جوهری) بر این باور است که شناسایی واقعیت نیز فرآیندی تکوینی دارد و محقق با شفاف‌سازی و وضوح بخشی به واقعیت با توجه به مستندات و جمع‌آوری شواهدی که فرآیندی تدریجی و تکوینی دارد به شناخت واقعیت نائل می‌آید. منطق تکوینی از تفکر خردمندانه تبعیت می‌کند که تفکری انعطاف‌پذیر و غنی است و امکان مشاهده مدبرانه و پژوهش با سوگیری اندک را فراهم می‌آورد. منطق تکوینی در شمول خودش منطق ارسطویی (هنگامی که از طبقه‌بندی صحبت می‌کند)، منطق فازی (هنگامی که از عدم قطعیت صحبت می‌کند)، منطق سیستمی (هنگامی که از نظم و نظام و روابط بین اجزا صحبت می‌کند) را دارد و علاوه بر آن دینامیک، شدن و جهت شدن (تکوین) را مورد توجه قرار داده است (هنگامی که از تغییر و حرکت و زمان و شدن صحبت می‌کند). همچنین به جهت مندی و هدفمندی نیز توجه کرده است و فضای توپولوژیک دستگاه مختصات تکوینی براساس آن شکل گرفته است (شکل ۳).

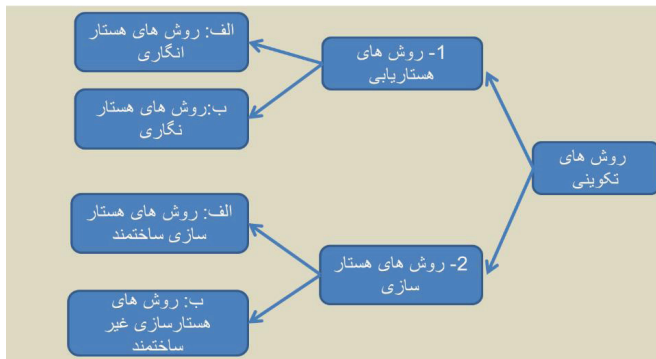


شکل ۳. نگاره دستگاه مختصات کروی تکوینی

دستگاه مختصات کروی تکوینی بر پایه مفروضات فرانظریه تکوینی برای ساخت فضای هستی یا فضای توپولوژیک که بتواند نگارگر و ترسیم‌کننده واقعیت باشد از فضای گوی‌واره و کروی بهره می‌گیرد، دوائر و کره بهترین شکلی است که آغاز و پایانی ندارد. برای تشکیل این فضای کروی توپولوژیک محقق لازم است به چهار پرسش محوری پاسخ دهد: ۱- چه چیز (قوه، استعداد و ظرفیت) مشاهده می‌شود؟ ۲- آنچه مشاهده می‌شود چه فعالیت و حرکتی دارد؟ ۳- چگونه این قوه و ظرفیت به فعل یا فاعلیت می‌رسد؟ و ۴- این حرکت چه سمت و سویی دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم توجه به چهار علت مادی، فاعلی، صوری و غائی است؟ که فضای توپولوژیک دستگاه مختصات کروی تکوینی بر پایه آنها شکل می‌گیرد. برای ساخت فضای توپولوژیک کروی سه محور موردنیاز است. محور اول: محور افقی که همان استعداد، ظرفیت، آمادگی یا قوه (جنس یا جوهر) است (علت مادی) که علت مادی هر رویدادی است. محور دوم: محور عمودی: فعالیت و حرکت قوه است (حرکت جوهری) به عبارتی قوه‌ای که به فعل درمی‌آید (علت فاعلی). محور سوم: چگونگی تبدیل قوه به فعل یا شعورمندی هستاری است (علت صوری). لازم به توجه است که جوهر می‌تواند وصل و فصل (وحدت/اکثرت) داشته باشد. عاملیت یا فعالیت می‌تواند متوجه درون یا بیرون باشد و چگونگی می‌تواند صحیح و خطا داشته باشد. این سه علت در مساوت با یکدیگر ترکیبی اتحادی می‌سازند که در سمت و سوی جهت و هدف غائی (علت غائی) در حرکت است. دستگاه مختصات کروی تکوینی علاوه بر این علل، بعد چهارم یعنی زمان که حاصل حرکت است را در محاسبات خود لحاظ می‌نماید. این فضای توپولوژیک یک فضای تشکیکی است و تمام رویدادهای مشاهده‌پذیر قابل جانمایی مکانی و زمانی در این فضای توپولوژیک هستند. در یک مطالعه آنتولوژیک نشانگرهای هستی، شناسایی، توصیف، طبقه‌بندی و تعریف می‌شود و در ربطی منطقی با یکدیگر پیوند می‌یابند و ترکیبی انضمامی ایجاد می‌کنند. ترکیب انضمامی این نشانگرها هستارها را شکل می‌دهند که این هستارها در کاوشی تکوینی شناسایی و براساس فرانظریه تکوینی تبیین و تفسیر می‌گردد و توضیح داده می‌شوند. از آنجایی که هر نشانگری که شناسایی می‌شود بر حسب ترکیب اتحادی علل مادی، فاعلی، صوری و غائی به علاوه زمان را در خودش دارد. پس هر نشانگر مشمول این علت‌ها است و این علت‌ها در ربط نشانگرها جاری می‌شود که از آن تحت‌عنوان «علیت جاریه» یا «علیت متبادل» نام برده می‌شود. به عبارتی علت در ربط نیست، بلکه علت در نشانگرها است که با ربط نشانگرها در هستار جاری می‌شود. مفهوم علت جاریه در دستگاه مختصات کروی تکوینی، روشن‌شناسی تکوینی را از سایر روش‌های پژوهش متمایز می‌کند و این روش‌شناسی را دینامیک و پویا می‌سازد.

۵. روش‌های پژوهش در رویکرد تکوینی

همان‌گونه که گفته شد روش‌شناسی تکوینی پژوهشی آنتولوژیک است. به عبارتی محقق رویداد را مشاهده می‌کند و از طریق شناسایی مؤلفه‌ها و نشانگرهای رویداد هستارشناسی می‌کند و با مطالعه هستار و نگارگری آن، هستی (واقعیت) را شناسایی می‌کند و یا در آن مداخله و ساخت‌وساز می‌نماید. در این میان فرانظریه تکوینی هدایتگر محقق برای نگارگری جهان هستی یا واقعیت هستی است. فرانظریه تکوینی برای شناسایی نشانگرهای هستار و توصیف و توضیح این نشانگرها و درک روابط بین آن‌ها و همچنین تبیین و تفسیر روابط بین نشانگرها دستگاه مختصات تکوینی را پیشنهاد داده است. لیک برای ورود داده‌ها به این دستگاه شناختاری لازم است، ابتدا داده‌ها به وسیله روش‌های پژوهش متناسب با رویدادها شناسایی شود تا در دستگاه مختصات کروی تکوینی وارد و توصیف و توضیح داده شود. شکل زیر انواع روش‌های پژوهش در روش‌شناسی تکوینی را نشان می‌دهد (شکل ۴).



شکل ۴. نگاره انواع روش‌های تکوینی

همان‌گونه که در شکل ۴ مشاهده می‌شود. روش‌های تکوینی ابتدا به دو دسته ۱- روش‌های هستاریابی و ۲- روش‌های هستارسازی تقسیم می‌شود و روش‌های هستاریابی نیز به دو گروه الف- روش‌های هستارانگاری و ب- روش‌های هستارنگاری تقسیم می‌گردد. روش‌های هستارسازی نیز به دو دسته هستارسازی ساختمانند و ب- هستارسازی غیرساختمند تقسیم می‌شود. در روش‌شناسی تکوینی روش‌های هستاریابانه یا هستاریابی هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرند که هستارها از پیش شکل گرفته است و تلاش محقق شناخت این هستارها است. از آنجا که محقق در روش‌های هستاریابی مداخله‌ای در هستارها انجام نمی‌دهد، لذا این روش‌شناسی نوعی ایده‌پردازی محققانه که انگاره‌پژوهی هستارانگاران است را نیز شامل

می‌شود. فرض رویکرد تکوینی در روش‌های هستارسازانه یا هستارسازی عاملیت انسان در ساخت‌وساز هستی است. بنابراین انسان در مسیر تکوین اقدام به ساخت‌وساز هستارهایی می‌کند که سازنده و هدایتگر او به سمت تکوین و شدن است و یا در هستارهایی که خطا و ناصحیح است، مداخله می‌کند و آن‌ها را اصلاح و تغییر می‌دهد یا بازسازی می‌نماید.

روش‌های هستارانگاری متکی بر تجربه‌های ذهنی و درونی محقق است. در این روش محقق انگاره‌های ذهنی را پرورانیده و ایده‌پردازی می‌کند و شکل‌گیری تکوینی آن را تشریح می‌نماید. روش‌شناسی تکوینی تجربه ذهنی را به‌عنوان یکی از منابع علم می‌پذیرد. بنابراین هنگامی که محقق با کاربرست داده‌های درونی و بیرونی به‌گونه‌ای روشمند به وجود (هستی) موجودیت (هستار) می‌دهد، علمی تجربی شکل می‌گیرد که صحت آن قابل بررسی تجربی است. در روش‌های هستارانگاری نیز محقق مشاهده‌گری است که با استناد به مشاهده‌ها و داده‌های بیرونی و براساس مبانی فرانظریه تکوینی به هستی‌نگاری اقدام می‌ورزد. در این نوع هستی‌نگاری محقق براساس تفکر خردمندانه و مشاهده مدبرانه با جمع‌آوری داده‌ها هستاریابی نموده و هستارها را شناسایی می‌نماید. به‌عبارتی محقق نگارگری است که هستار را شناسایی و ترسیم می‌کند و به توصیف و توضیح آن می‌پردازد.

در روش‌های هستارسازی ساختمند نیز محقق در هستارهایی که از طریق هستارانگاری و هستارانگاری نگارش شده است، مداخله، دست‌کاری و ساخت‌وساز مجدد می‌کند و با توجه به ساختار پیوندی شناسایی شده، اقدام به نقشه‌نگاری مداخله می‌کند و با ملاحظه شاخص‌های توصیفی و توضیحی هستار، مؤلفه‌هایی که وزن بیشتری دارند را شناسایی می‌نماید و بر مبنای فرانظریه تکوینی اقدام به مداخله می‌کند. روش‌های هستارسازی غیرساختمند هم در دو وضعیت قابل استفاده است. الف: ساختار هستارها یا مبهم است و یا از قبل موجود نیست. لذا نقشه‌نگاری مداخله دشوار است و وضوح ندارد و ب: مؤلفه‌های هستار مؤلفه‌های هدف هستند که محقق با دست‌کاری و مداخله به دنبال تحقق نشانگرهای هدف است. در مورد اول دست‌کاری در نشانه‌های واضح و اولیه به تدریج نشانه‌های بهبود هستار را آشکار می‌سازد و در مورد دوم، نشانه‌های هدف در شدنی تکوینی شکل می‌گیرند و آشکار می‌شوند. انواع روش‌های هستارانگاری، هستارانگاری و هستارسازی ساختمند و غیرساختمند در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. انواع روش‌های هستارنمایی و هستارسازی در رویکرد تک‌ویینی

روش‌های هستارسازی غیرساختمند	روش‌های هستارسازی ساختمند	روش‌های هستارنگاری	روش‌های هستارنگاری
۱. هستارسازی مداخله در نشانگر واضح	۱. هستارسازی مداخله در نشانگر زیربنایی	۱. هستارنگاری توصیفی	۱. هستارنگاری توصیفی - استنتاجی
۲. هستارسازی مداخله در شرایط بیرونی	۲. هستارسازی مداخله تصرفی	۲. هستارنگاری موردی	۲. هستارنگاری توصیفی - تطبیقی
۳. هستارسازی مداخله چیدمانی	۳. هستارسازی مداخله تبعی	۳. هستارنگاری بالینی	۳. هستارنگاری توصیفی - انتقادی
۴. هستارسازی مداخله نشانگر - هدف	۴. هستارسازی مداخله یکپارچه	۴. هستارنگاری اسنادی	۴. هستارنگاری توصیفی - ترکیبی
۵. هستارسازی آرمانی		۵. هستارنگاری سلسله‌مراتبی	۵. هستارنگاری توصیفی - زایشی
		۶. هستارنگاری گفتمانی	
		۷. هستارنگاری شهودی	
		۸. هستارنگاری اکتشافی	
		۹. هستارنگاری تقابلی	
		۱۰. هستارنگاری حد مطلوب/نامطلوب	
		۱۱. هستارنگاری قطبین	
		۱۲. هستارنگاری روندی	

روش‌های هستارسازی غیرساختمند	روش‌های هستارسازی ساختمند	روش‌های هستارنگاری	روش‌های هستارانگاری
		۱۳. هستارنگاری خبرگانی	
		۱۴. هستارنگاری تبدیلی	
		۱۵. هستارنگاری استنتاجی	
		۱۶. هستارنگاری آتی‌یاب	
		۱۷. هستارنگاری تمثیلی	
		۱۸. هستارنگاری قیاسی	
		۱۹. هستارنگاری ابزارسازانه (ابزارنگاری)	
		۲۰. هستارنگاری ارزشیابانه	
		۲۱. هستارنگاری تطوری	

باتوجه به آنچه گفته شد، صرف نظر از اینکه از چه روشی برای مطالعه رویدادها در پژوهش‌های تکوینی استفاده شود، پژوهش تکوینی باتوجه به بسترهای نظری و فلسفی مفروض مشمول ویژگی‌های زیر است (جدول ۲). این ویژگی‌ها در جدول زیر مورد توصیف قرار گرفته است و تلویحات آن برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی اسلامی در بخش بحث و نتیجه‌گیری مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۲. ویژگی‌های پژوهش‌های تکوینی

ویژگی‌ها	توصیف
۱. نظریه‌باری	پژوهش‌ها مبتنی بر نظریه هستند و از نظریه‌ای مفروض در روش‌شناسی و تعبیر و تفسیر نتایج استفاده می‌کنند. فرانظریه تکوینی نظریه محوری در مطالعات تکوینی است.
۲. خردمندانه	تفکر خردمندانه بالاترین سطح رشدی تفکر انسانی است که علاوه بر شمول انواع دیگر تفکر، ایفاگر نقشی تعادلی در شناخت است. تفکر خردمندانه سطح پیچیده‌ای از شناخت همراه با دانش غنی و تجربه است که بر توانایی تشخیص مسئله و توانایی انتخاب اطلاعات درست از میان مجموع اطلاعات موجود متمرکز است.
۳. غایت‌مندی	قائل بودن به این مفروضه که جهان هدفمند است و هستی معنا و مقصودی را دنبال می‌کند.
۴. جهت‌مندی	اصل و مفروضه‌ای که بیان می‌کند، هستی جهت‌مند است و جهت‌مندی می‌تواند صحیح یا خطا باشد.
۵. متحرک و متغیر	پذیرش این اصل که هستی در حال شدن و تغییر است و بر اساس حرکت جوهری هستی در حال هستی‌تایش است.
۶. عدم قطعیت	پذیرش اصل نسبیت است، آینده محتمل خواهد بود و رویدادهای مختلف قابل تصور است.
۷. تشکیکی	قائل بودن به اینکه هستی دارای مراتب یا مظاهر است و هر مرتبه داده‌ها و اطلاعات خاص خود را دارد.
۸. تکثرگرایی	قائل بودن به این مفروضه که هستی در عین وحدت دارای کثرات است و برای محقق تکوینی امکان شناخت این کثرات وجود دارد.
۹. علیت جاریه	در فرانظریه تکوینی پذیرش این اصل که با ترکیب اتحادی علل چهارگانه هر مشاهده و اطلاعات (نشانگر) که در دستگاه مختصات کروی تکوینی وارد می‌شود مشمول علل چهارگانه است. هنگامی که این نشانگرها با یکدیگر پیوند می‌یابند، علیت در ربط جاری می‌شود که به آن علیت جاریه یا علیت متبادل می‌گویند.
۱۰. کل‌گرا	فرانظریه تکوینی این اصل را می‌پذیرد که برای شناسایی صحیح رویدادها لازم است کل آن رویداد مورد مطالعه قرار گیرد و کاهش دهی رویداد شناخت آن را با مشکل مواجه می‌سازد.

ویژگی‌ها	توصیف
۱۱. بین‌رشته‌ای	در مطالعات تکوینی پذیرش این اصل است که درک درست مستلزم بهره‌گیری از مطالعات بین‌رشته‌ای و همکاری رشته‌های مختلف است.
۱۲. عاملیت انسان	قائل بودن به این مفروضه که پیوند گذشته با آینده با عاملیت انسان قابل تصور است و انسان هسته محوری تحولات است.
۱۳. تحمل ابهام	این باور که آینده مبهم و محتمل است. لذا روش پژوهشی مرجح لازم است. توانایی تحمل ابهام نسبت به رویدادهای قریب‌الوقوع و غیرمنتظره را داشته باشد.
۱۴. تحمل پیچیدگی	پذیرش این اصل که رویدادها بسیار پیچیده هستند و عناصر متکثر در ظهور رویدادها نقش دارند. این موضوع روابط بین اجزا را پیچیده‌تر و گسترده‌تر خواهد نمود.
۱۵. انعطاف‌پذیری	به مفهومی اشاره دارد که روش تحقیق مفروض باید متناسب با الزامات پژوهش و منعطف است.
۱۶. چندروشی	به استفاده از چند روش و بهره‌گیری از ابزارها و فنون و نمونه‌گیری متنوع برای شناسایی واقعیت اطلاق می‌شود.
۱۷. سهولت ورود به مطالعات	این نکته را توصیف می‌کند که روش‌های پژوهش چگونه توان متناسب‌سازی در سهولت ورود به مطالعات را دارد.
۱۸. چابکی	این اصل به سرعت ورود به مسئله پژوهش جهت شناسایی رویداد توجه دارد. اینکه روش مرجح با چه سرعتی می‌تواند وارد شناسایی رویداد شود.
۱۹. انطباق با فناوری‌های نوین	به این نکته می‌پردازد که روش پژوهش مرجح تا چه اندازه می‌تواند در جریان پژوهش و یا تحلیل داده‌ها و نگارش یافته‌ها از فناوری‌های نوین استفاده نماید و با پیشرفت‌های فناوری منطبق باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه کنونی این بود که باتوجه به مبانی رویکرد تکوینی به چیستی یا هستارشناسی «روش‌شناسی تکوینی» اشاره شود و با استنتاج ویژگی‌های مفروض در این رویکرد به تلویحات این روش‌شناسی برای پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در بستر اندیشه‌های اسلامی پرداخته شود. در این قسمت باتوجه به ویژگی‌های مورد اشاره در جدول ۲ این تلویحات مورد بحث قرار می‌گیرد. از جمله ویژگی‌های مفروض در رویکرد تکوینی «نظریه باری مشاهدات» است. بر این اساس نحوه روی‌آوری محقق به مسئله پژوهش و اینکه با پذیرش چه نظریه‌ای به مشاهده رویدادها

و پدیده‌ها بپردازد، آنچه را که به‌دست خواهد آورد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رویکرد تکوینی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در رویکرد تکوینی نیز محقق با پذیرش مفروض‌ها یا اصل‌هایی به مشاهده رویدادها می‌پردازد و این مفروض‌ها نوع نگاه او به رویدادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مطالعات تکوینی فرانظریه تکوینی هدایتگر و راهنمای محقق در مطالعات خواهد بود، این فرانظریه که رویکردی جهت‌مند دارد، چگونگی مشاهده رویدادها را در مطالعات تکوینی هدایت خواهد کرد.

اصل دیگر فرانظریه تکوینی «پذیرش حرکت و قائل بودن به تغییر و تحول» است. محقق تکوینی رویدادهای پیش رو را متلاطم و ناآرام می‌بیند که سرعت تغییرات در آن گاه به‌حدی است که مطالعات پیش‌بینی از درک آن عاجز است. بنابراین رویکردهای اکتشافی که حال را استمرار گذشته و آینده را استمرار گذشته و حال می‌دانند، هرچند که اطلاعات بسیار سودمندی را فراهم می‌آورد لیکن همچنان لازم است که اصل «عدم قطعیت» را به‌عنوان اصلی اساسی در مطالعات در نظر داشت. رویکرد تکوینی اصل پیش‌بینی و تعمیم را نمی‌پذیرد و بر این باور نیست که می‌توان نتایجی به‌دست آورد و آن را به جامعه متحول تعمیم داد. همچنان که در مباحث گذشته مطرح شد، تفکر مورد استفاده در معرفت‌شناسی تکوینی نیز «تفکر خردمندانه» است و از جمله ویژگی‌های متفکر خردمند دانش و اطلاعات غنی است. تفکر خردمندانه امکان مشاهده مدرانه در مطالعه رویدادها را فراهم می‌آورد و دانشی را فراهم می‌آورد که براساس آن می‌توان علاوه بر شناخت رویدادها، نسبت به مداخله و تغییر رویدادها اقدام نمود.

اصل و مفروضه دیگر روش‌شناسی تکوینی «نگاه تشکیکی» است. فرانظریه تکوینی با پیش‌فرض کران‌مندی جهان هستی محقق تکوینی را هدایت می‌کند که در مطالعه رویدادها چه چیزی را و در کجا مورد مشاهده قرار دهد. به این قاعده «افق رویداد» گفته می‌شود. به عبارتی محقق تکوینی در چه مکانی و زمانی ایستاده است و ناظر به‌وقوع چه رویدادی است. او چه چیزی را مشاهده می‌کند؟ آن را چگونه باید توصیف و تعریف نماید؟ و مؤلفه‌های آن رویداد را چگونه طبقه‌بندی کند؟ فرانظریه تکوینی با طرح مسئله کران‌مندی نظامی را برای طبقه‌بندی آنچه مورد مشاهده است را فراهم می‌آورد و ذهن محقق را انسجام و یکپارچگی می‌بخشد. در رویکرد تکوینی علم عبارت از شناخت هستی از طریق توصیف (تشخیص، تعریف و طبقه‌بندی) و توضیح (درک روابط نشانگرها و تبیین و تفسیر آنها) رویدادها تعریف می‌گردد. فرانظریه تکوینی با بهره‌گیری از مبانی فلسفی وحدت وجود به محقق تکوینی امکان می‌دهد که عناصر هستار مورد مطالعه را در هر کرانه مورد مشاهده قرار دهد و پیوند و ربط آن‌ها را مشاهده و تعبیر و تفسیر نماید

به‌عنوان مثال تغییرات ممکن در کرانه زیستی چگونه می‌تواند شاخص‌های کرانه اجتماعی مانند اقتصاد، سازمان‌ها، خانواده و روابط بین افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

قائل بودن به تشکیک به رویکرد تکوینی امکان داده است که طبقه‌بندی نوینی از علوم ارائه نماید. لذا در هر مرتبه‌ای از هستی اطلاعات و داده‌هایی وجود دارد که علوم مختلف با مطالعه این اطلاعات و جمع‌آوری شواهد مرتبط با رویدادهای آن مرتبه به تدوین نظریه‌هایی برای تبیین و تفسیر رویدادها اقدام می‌ورزند. بنابراین مطالعات تکوینی «تکثرگرا» است و علوم مختلف با مطالعه شواهد متکثر داده‌های متنوع و گسترده‌ای فراهم می‌کنند و با توجه به آن که هستی شبکه‌ای واحد است، امکان تجمع برون‌داده‌های هر رشته و دستیابی به یک کلان‌الگو وجود دارد. این رویکرد مطالعات علوم انسانی را بسط و گسترش خواهد داد. از سوی دیگر نیز با توجه به بین‌رشته‌ای بودن بسیاری از علوم همکاری‌های بین‌رشته‌ای را ترویج و گسترش خواهد داد.

از مفروضه‌های دیگر فرانظریه تکوینی جست‌وجوی «علم نافع» است. علم در این رویکرد شناخت هستی از طریق توصیف و توضیح هستارها به منظور هدایت انسان‌ها در مسیر تکوین و سعادت این دنیایی و آن دنیایی انسان تعریف می‌شود. لذا روش علمی باید صحیح و خطا را به محقق جهت اصلاح امور و هدایت در مسیر تکوین نشان دهد. براساس مفروضه‌های فرانظریه تکوینی دستگاه مختصات کروی تکوینی، فضایی توپولوژیک را ترسیم کرده است که نشانگرهای رویداد خطا (در سطح کالبدی مانند اعتیاد، بیماری، رفتارهای انحرافی و در سطح کرانه‌ای مانند تخریب محیط زیست، ساخت و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تورم و فقر) و هم نشانگرهای رویداد صحیح (در سطح کالبدی انسان مانند سلامت، فضائل اخلاقی، باورهای رشدیابنده و در سطح کرانه‌ای مانند امنیت غذایی، مسکن مناسب، پیوندهای اجتماعی و عدالت اجتماعی) در دستگاه مختصات کروی تکوینی قابل مختصات‌یابی و توصیف و تعبیر است. در رویکرد تکوینی هستارها و نشانگرهای صحیح با اهداف غائی رشد و بالندگی انسان و همچنین آنچه از آن باعنوان رشد و توسعه کرانه‌ها در فرانظریه تکوین یاد می‌شود، هم‌خوان، متناسب و هماهنگ است و کارکرد هستارها در مراتب مختلف کرانه‌ای با نظام غائی حرکت جهان هم‌ساز است. بنابراین هستارهای صحیح نقشی ایجابی دارند. ساخت‌وساز این هستارها نیز همت غالب تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران خواهد بود. لیکن هستارها و نشانگرهای خطا که آن‌ها نیز در دستگاه مختصات تکوینی قابل برآورد و شناسایی است، در مسیر تکوین متعالی نیستند و نقشی مخرب در رشد و بالندگی انسان و همچنین عدم رشد و توسعه کرانه‌ای دارند. لذا وجود این هستارها و نشانگرهای آن نقص تلقی می‌شود و سعی و همت تصمیم‌گیران و سیاستگذاران کاهش اثرات مخرب وجود

این هستارها و نشانگرها است. تلویح ضمنی این گفتار چیست؟

همچنان که گفته شد، فرانظریه تکوینی هدایتگر محقق در پژوهش است. باور به «جهت‌مندی» وجود رویدادهای صحیح و خطا و امکان شناسایی و طبقه‌بندی آنها در دستگاه شناختاری تکوینی می‌تواند افق و گستره دید محقق تکوینی را به مشاهده هم رویدادهای صحیح و هم خطا جهت دهد. محقق تکوینی پرسش خواهد کرد که مشاهدات ممکن بستر چه رویدادهای صحیح و خطایی خواهد بود و فرانظریه تکوینی امکان مشاهده صحیح و خطا را در چشم‌اندازی مشکک فراهم می‌آورد و نگارگر نوعی هستار خواهد بود که به لحاظ رویکرد کل‌گرایانه فرانظریه تکوینی، تصویری کلان، شفاف و روشن‌تر از رویدادها ارائه خواهد نمود.

مفهوم علیت چالشی با اهمیت در مطالعات علوم انسانی است. بسیاری از پژوهش‌ها بر این مبنای فکری قائل هستند که علیت در گذشته است و با مطالعه گذشته می‌توان معلول یا رویداد را پیش‌بینی نمود. پس نوعی تقدم زمانی بر قاعده علت و معلولی استوار است. بنابراین سرنوشت محتوم تابع قاعده جبریت زمانی است و تسلسل زمانی مبتنی بر علیت زمانی است که امکان پیش‌بینی را برای محقق فراهم می‌آورد. بنابراین تلقی، مواجهه محقق یا تصمیم‌گیران و سیاستگذاران با رویدادهایی با این روند اجتناب‌ناپذیر است. چراکه عوامل گذشته پیش بین وضعیت آینده است. نگاه به عقب یا پس‌نگری چهارچوبی برای تبیین و تفسیر آنچه است که محتمل است. فرانظریه تکوینی براساس مبانی هستی‌شناسی خود جهان را در تکاپو، پویا و دینامیک می‌بیند و باور دارد که در یک رودخانه دو بار نمی‌توان شنا کرد هرچند که ممکن است این رودخانه در نام، همان رودخانه اولیه باشد. اما در محتوا آن رودخانه نیست. بنابراین تکرارپذیری اصلی قطعی نیست و رویدادها در همان برهه زمانی الزامات خاص خودش را دارد. رویکرد تکوینی گستره علیت زمانی گذشته‌نگر را به علیت غائی آینده‌نگر پیوند می‌دهد و با طرح «علیت جاریه» یا «علیت متبادلن به محقق کمک خواهد کرد که رویدادها را دینامیک و پویا مشاهده کند.

در همین ارتباط فرانظریه تکوینی هسته محوری تحولات را «عاملیت انسان» می‌داند. همچنان که گفته شد رویکرد تکوینی از واژه نوساختگی و نخواستگی به‌جای واژه برساخت در رویکرد تفسیری نام می‌برد. نوساختگی یعنی ساخت‌وسازی که براساس، مواد و محتوای واقعی انجام می‌گیرد. به عبارتی انسان با آگاهی و شعورمندی روابط جدیدی بین اشیا و امور برقرار می‌کند و هستارسازی می‌نماید. بنابراین براساس فرانظریه تکوینی انتظار می‌رود که ساخت‌وسازهای انسانی و نقش انسان در معادلات آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی این انسان است که مجموعه عناصر را در ربط با یکدیگر قرار می‌دهد. مجموعه این عناصر ساختار یا نوساختگی جدیدی را

ایجاد می‌کند که از آن تحت‌عنوان هستار نام برده شد. ایجاد هستارها فرآیندی تکوینی دارد و نحوه تکوین آن به‌وسیله پژوهش‌های تکوینی قابل‌شناسایی است. در این میان هستارهای قوی دارای سنخیتی در انسجام مؤلفه‌ها می‌شوند و ساختاری را ایجاد می‌کند که این ساختار خودمختاری کارکردی دارد و روابط بین اجزا را قاعده‌مند و حتی باز تعریف می‌کند. این نوساختگی و رای جمع مجموع اجزا است. در فرانظریه تکوینی این هستارهای نوساخته اسباب و مسبب حرکت هستند، بنابراین رویدادها ایستا نیستند و محقق تکوینی با شناسایی آن‌ها و ترسیم نقشه کارکردی این اجزا می‌تواند در رویدادها مداخله نماید.

فرانظریه تکوینی لزوماً پیش‌بینی را انکار نمی‌کند، لیکن با لحاظ عاملیت انسانی در این میان با رویکرد عدم قطعیت در مطالعات علوم انسانی موافق است. فرانظریه تکوینی هنگامی که از ترکیب اتحادی علیت فاعلی با علیت صوری در تشکیل هستارها صحبت می‌کند بر نقش عاملیت انسانی و آگاهی و شعورمندی او صحنه می‌گذارد. بنابراین پیش‌بینی با ترکیب عاملیت و هوشمندی انسان قابل‌تصور است و روش‌های هستارسازی در پژوهش‌های تکوینی نقش عاملیت محقق و خردمندی او در مداخلات هستارسازانه و یا تغییر و اصلاح هستارها را موردتوجه قرار می‌دهد.

تلویحات رویکرد تکوینی برای مطالعات علوم انسانی را می‌توان با طرح ویژگی‌های دیگر مطالعات تکوینی موردتوجه قرار داد. از جمله این ویژگی‌ها «تحمل ابهام» است. آینده غیرمحتمل است و آینده‌های ممکن متعددی قابل‌تصور است. آیا رویکرد تکوینی می‌تواند این ابهام را تحمل کند. همچنان که گفته شد، پذیرش تکثر یکی از ویژگی‌های فرانظریه تکوینی است و هرگاه سخن از تکثر است، عدم قطعیت نیز همراه آن است. بنابراین محقق تکوینی تحمل ابهام را یکی از قابلیت‌های روش‌شناسی تکوینی در نظر می‌گیرد. لیکن محقق تکوینی تلاش دارد با شفاف‌سازی و وضوح‌بخشی نشانگرها از ابهام مطالعات بکاهد. تحمل پیچیدگی و ابهام از جمله چالش‌های مطالعات علوم انسانی است. جهان روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و رویدادها درهم‌تنیده‌تر و متکثرتر خواهند شد. فرانظریه تکوینی با طرح مراتب تشکیکی و پیشنهاد روش‌هایی مانند هستارنگاری سلسله‌مراتبی امکان مطالعه و شناسایی هستارهای پیچیده را فراهم می‌آورد. این روش‌شناسی با توجه به اینکه هستی را به‌عنوان یک شبکه تحلیل می‌کند، این امکان را به محقق می‌دهد که تعداد متناوبی نشانگر که در بروز رویدادها مؤثر است را شناسایی و روابط بین آنها را در یک هستار پیچیده مطالعه نماید و همچنین به جهت شمول و دربرگیرندگی نشانگرهای بازیگر در نمود رویدادها، این پژوهش‌ها «کل‌گرایانه» قلمداد می‌شود که کل در حال تغییر را مطالعه می‌نماید. روش‌های تکوینی انطباق‌پذیر و «انعطاف‌پذیر» هستند و به این جهت که ساختار انجام پژوهش از

همان آغاز محدود نمی‌شود از انعطاف‌پذیری لازم برای مطالعه تحولات سریع برخوردار هستند. پژوهش‌های تکوینی «چندروشی» بوده و به جهت قائل بودن به این پیش‌فرض که شناسایی واقعیت در یک فرآیند تکوینی صورت می‌گیرد و رویدادها در فرآیند تکوین پژوهش آشکار می‌شوند به محقق امکان می‌دهد که چند روش را به‌طور هم‌زمان در شناسایی هستارها به‌کار گیرد، همچنین چندروشی بودن در استفاده از ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها و همچنین روش‌های متنوع نمونه‌گیری به محقق امکان می‌دهد، متناسب با الزامات پژوهش نمونه‌های مختلف را گزینش نماید و ابزارهای متنوع را به‌کار گیرد. ازسوی دیگر چندروشی بودن و انعطاف‌پذیری به پژوهش تکوینی امکان می‌دهد که با «سهولت» وارد مطالعه چالش‌های جدید شود و چون فرانظریه تکوینی ساختاری برای توصیف و توضیح رویدادها ارائه کرده است به محقق امکان می‌دهد در کنار انعطاف‌پذیری در ورود به چالش‌های جدید «چابک» نیز باشد. ازسوی دیگر نگاه آنتولوژیک به رویدادها با در نظر گرفتن اجزای یک آنتولوژی مانند مفاهیم، روابط بین اجزا و قاعده‌مندی که این روابط براساس آن استوار است به پژوهشگر تکوینی امکان می‌دهد که رویدادها را در شکل یک «مشبک» ملاحظه کند، بدین جهت این روش قابلیت «انطباق با فناوری‌های نوین» و همچنین انطباق این فناوری‌ها با مفروضه‌های خود را دارد. قابلیت استفاده از فناوری‌های نوین یکی از نیازهای مهم حوزه پژوهش‌های علوم انسانی است.

مجموع این ویژگی‌ها قابلیت استفاده از روش‌های تکوینی برای ورود به مطالعات علوم انسانی و اجتماعی را موجه می‌سازد. از نظر نویسنده این مقاله رویکرد تکوینی و فرانظریه منتج از آن قابلیت ایفای این نقش را دارد. هرچند که برای رسیدن به پختگی و رشد این نظریه لازم است اجتماع اندیشمندان این رویکرد را موردنقد و بررسی و اصلاح قرار دهند. لذا این رویکرد گشوده در پذیرش دیدگاه‌ها و نقد و بررسی جامعه‌خردمندان است و می‌تواند در کنار رویکردهای دیگر به‌عنوان تلاشی برای دستیابی به علم تجربی اجتماعی و انسانی در بستر اندیشه اسلامی موردتوجه قرار گیرد.

کتابنامه

۱. اعرافی، علیرضا. ۱۳۹۴. «ظرفیت‌شناسی علم اصول فقه برای علوم انسانی» در ظرفیت‌شناسی علوم اسلامی در تحول علوم انسانی. قم: مجمع عالی حکمت اسلامی.
۲. ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی. ۱۳۹۲. روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. باقری، خسرو. ۱۳۸۲. هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بستان، حسین. ۱۳۸۴. گامی به سوی علم دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بی‌تس، مارس، جی. ۱۳۸۷. «مقدمه‌ای بر فرانظریه، نظریه و الگوها». ترجمه غلام حیدری. فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. س ۱۱، ش ۴۴. ص ۲۷۵-۲۹۷.
۶. پسندیده، عباس. ۱۳۸۶ الف. «در آمدی بر روش‌شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث». علوم حدیث. ش ۴۵ و ۴۶.
۷. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۳. رابطه منطقی دین و علوم کاربردی. قم: کتاب فردا.
۸. تقوی، سیدمحمدرضا. ۱۳۹۹. الگوی علوم انسانی اسلامی: چهارچوب نظری و مدل عملیاتی. تهران: آفتاب توسعه. مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدا.
۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تنظیم احمد واعظی. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۰. حسنی، سیدرضا و مهدی علی‌پور. ۱۳۹۰. پارادایم اجتهادی دانش دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. خرمائی، فرهاد. ۱۳۸۵. «علم خوب در علوم انسانی چه نوع علمی است؟ پرسشی درست یا غلط». مجموعه مقالات اولین کنگره ملی علوم انسانی. تهران: مرکز همایش‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. _____ . ۱۳۹۰. «روان‌شناسی در پارادایم الهی». م مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی روان‌شناسی و دین. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۳. در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی. قم: نشر معارف.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ محمد معین؛ سیدجعفر شهیدی و حسن احمدی گیوی. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه.
۱۵. رشاد، علی‌اکبر. ۱۳۸۷. «معیار علم دینی». ذهن. ش ۳۳.

۱۶. زاهد زاهدانی، سیدسعید. ۱۴۰۲. جامعه‌شناسی با رویکردی سه‌وجهی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۱۷. سوزنچی، حسین. ۱۳۸۸. معنا، امکان و راه‌کارهای تحقق علم دینی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۸. گلشنی، مهدی. ۱۳۸۵. از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. مصباح یزدی. محمدتقی. ۱۳۹۰. «علم دینی و اسلامی سازی علوم انسانی». معارف. ش ۸۶، ص ۱۶.
۲۰. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. ۱۴۰۱. درآمدی بر ایده علوم انسانی اسلامی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
۲۱. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. ۱۴۰۲. تأملاتی در باب علم دینی. تهران: مؤسسه فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۲۲. میرباقری، سیدمحمد مهدی. ۱۳۹۱. جریان‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی. مجموعه مقالات تحول در علوم انسانی. قم: کتاب فردا.
۲۳. واسطی، عبدالحمید. ۱۳۹۸. «پارادایم شبکه‌ای (پارادایم علم دینی به مثابه پارادایم رقیب علوم انسانی موجود)». فصلنامه حکمت اسلامی. د ۶، ش ۴، صص ۹-۳۷.
24. Antoniou.G,A, VonHarmelen.F,B. 2004. A semantic web primer. MIT press.
25. Bates, Marcia.J. 2005. "An Introduction to Metatheories, and Models". In:Theories of Information Behavior, Edited By Karen. E. Fisher, Sandra Erdelez and Lynne.e (E.D)Mckechnie, Medford, New Jersey:Information Today. pp1-24.
26. Corazzon.R,A. 2014. "Theory and history of ontology. Ancient Greek and Roman Philosophy". Inquiry: An Interdisciplinary Journal of Philosophy. 43 (1): p. 21 - 37.